

*Relationship between attachment styles and spiritual intelligence with religious attitudes of
Secondary school students in Amol city, 2014*

Ali Khaleghkhan¹, Mohammad Mahdi Babaei Menghari^{2*}

- 1- Department of Educational Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil
2- Graduate student research scholar, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil

***Corresponding Author:**
Mohammad Mahdi Babaei Menghari
University Street, Faculty of psychology and training, Ardabil, Iran

E-mail:
m.zmbm67@gmail.com

Received: 3 Aug 2014
Revised: 7 Feb 2015
Accepted: 22 Feb 2015

Abstract

Background and Purpose: The concept of attachment is a stable emotional bond between two people, so that each party strives to maintain proximity with the subject of attachment and behave in a way that ensures the continuation of the relation. Spiritual intelligence is one of the concepts that, in light of the global interest of psychologists in the field of religion and spirituality, has been proposed and developed. The Relationship of the attachment styles and spiritual intelligence with religious attitudes of secondary school students were goals of this study.

Materials and Methods: Research method was a correlation study and population included 11,650 people from Amol city secondary school students. According to Cochran formula, 370 students were selected through random sampling method. To gather data, Hazen and Shiour attachment style questionnaire, spiritual intelligence Judy Neal (2004) questionnaire and about attitudes to religion, Allport (1950) questionnaire have been utilized.

Results: The findings showed that there is relationship between attachment and spiritual intelligence components and the religious attitudes of students ($P < 0.1$). Regression analysis showed that there is significant relationship between the elements of attachment and spiritual intelligence components with a religious attitudes on 95 percent ($0.47 = R$, $16.56 = F$ (6 and 363) ($P < 0.5$). This study showed that only the proportion of pervasive attachment style and relationship with the transcendent, spiritual intelligence, respectively ($3.03 = t$, $0.02 = \beta$; $2.47 = t$, $0.02 = \beta$) in predicting attitudes religious is meaningful. But the other variables are not significant.

Conclusion: Based on the results of this study, the attachment style and spiritual intelligence are capable to explain variance for religious attitudes of secondary school students.

Keywords: religious attitudes, attachment style, spiritual intelligence, secondary school students

رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با نگرش دینی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل در سال ۱۳۹۳

علی خالق خواه^۱، محمد مهدی بابائی منقاری^{۲*}

چکیده

سابقه و هدف: مفهوم دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که هر یک از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با نگرش دینی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه در سال ۱۳۹۳ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق توصیفی است. جامعه آماری شامل ۱۱۶۵۰ نفر از دانش‌آموزان متوسطه‌ی شهرستان آمل بود. از بین جامعه آماری بر اساس فرمول کوکران با لحاظ $\alpha = 0/05$ و مقدار خطای قابل قبول $0/05$ و $p = q = 0/05$ ؛ تعداد ۳۷۰ نفر دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردید. ابزار پژوهش پرسشنامه ۱۵ سوالی سبک دلبستگی هازن و شیور، پرسشنامه ۳۰ سوالی هوش معنوی جودی نیل و پرسشنامه ۲۱ سوالی نگرش به دین آلپورت بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش همزمان تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی و هوش معنوی با مولفه‌های نگرش دینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد ($P < 0/01$). تحلیل رگرسیون نیز نشان داد بین مولفه‌های سبک دلبستگی و مولفه‌های هوش معنوی با نگرش دینی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد ($R = 0/47$ ، $F(6, 363) = 16/56$ و $P < 0/05$). همچنین تنها سهم سبک دلبستگی اجتنابی و هوش معنوی پیوستگی با وجود متعالی که به ترتیب ($t = 3/03$ ، $\beta = 0/20$ ، $t = 2/74$ ؛ $\beta = 0/20$) در پیش‌بینی میزان نگرش دینی معنی‌دار است. اما سهم سایر متغیرها معنی‌دار نبود.

استنتاج: بر اساس نتایج این پژوهش سبک دلبستگی و هوش معنوی توان تبیین واریانس نگرش دینی دانش‌آموزان متوسطه را دارد.

واژه‌های کلیدی: نگرش دینی، هوش معنوی، سبک‌های دلبستگی، دانش‌آموزان متوسطه

۱- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی؛ اردبیل،
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی

* مؤلف مسئول: محمد مهدی بابائی منقاری
خیابان دانشگاه، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

Email:
m.zmbm67@gmail.com

دریافت: ۱۲ مرداد ۱۳۹۳
اصلاحات: ۱۸ بهمن ۱۳۹۳
پذیرش: ۳ اسفند ۱۳۹۳

مقدمه

نموده‌اند تا با تربیت دینی مناسب به پرورش افرادی بپردازد که توان زندگی مناسب در جامعه را داشته باشند(۱). رفتارها و عقاید مذهبی تاثیر مثبتی در معنادار شدن زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به

نگاهی به سیر تاریخی زندگی انسان همواره نشان می‌دهد که انسان‌ها به دین و به تبع آن به تربیت دینی توجه داشته‌اند و دین به عنوان عنصری تعیین کننده در زندگی انسان بوده است. از این روی، انسان‌ها همواره سعی

عوامل رشد انسانی، رشد معنوی و رشد مادی را در خود جمع کرده است. حیات قلبی و روحی و معنوی انسان جز در ارتباط با دین معنا ندارد (۸). رشد معنویت، با شگفتی و اشتیاق نیز همراه است. معنویت هم نیاز به اشتیاق دارد و هم شور و شغف ایجاد می‌کند. احساس حضور در پیشگاه خدا نهایت درجه رشد معنویت است (۱). پیشرفت سریع روانشناسی در زمینه دین و معنویت در دهه‌های اخیر و آشکار شدن نقش گسترده دین در همه ابعاد زندگی انسان، به خصوص نقش آن در ارتقاء آرامش، بهداشت و سلامت روانی و حتی تأثیر جدی آن در کاهش و بهبود اختلالات روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی، موجب شده تا شاهد رشد در حال گسترش مطالعات روانشناسی دین و معنویت در ابعاد مختلف باشیم (۵). به نظر می‌رسد که یکی از عواملی که می‌تواند در نگرش مثبت به دین نقشی داشته باشد هوش معنوی است.

هوش، مفهومی است که از دیرباز انسان را علاقمند به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد آن نموده است. این پرسش همواره مطرح بوده است که هوش چیست؟ چگونه رشد می‌کند؟ چه مؤلفه‌های دارد؟ هوش، رفتار حل مسئله سازگارانه‌ای است که در راستای تسهیل اهداف کاربردی و رشد سازگارانه جهت‌گیری شده است (۹). در این بین، یکی از ابعاد هوش تحت عنوان «هوش معنوی»، از مواردی است که تحقیقات چندان منسجم و نظام‌مندی در جهت شناخت و تبیین ویژگی‌ها و مولفه‌های آن در حد و اندازه سایر انواع هوش صورت نپذیرفته است (۱۰). آمرام^۱ معتقد است هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدیس در زندگی و درک متعادل از ارزش می‌باشد (۱۱). بر این اساس، هوش معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و توانایی‌ها است که فرد را قادر می‌سازد که مسائل خود را حل کند و به هدف‌های خود در زندگی برسد. هوش معنوی دست کم پنج مهارت و کارایی دارد که می‌توان بخشی از دانش پایه را در بر گیرد و به رفتارهایی بیانجامد که سازگاری با محیط را در پی آورد (۱۲). هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که، در

خداوند، عبادت و زیارت و غیره می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند (۲). الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد (۳).

داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند (۲). باور به این که خدایی هست که موقعیت را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است تا حد بسیاری، اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد به طوری که اغلب افراد مومن ارتباط خود را با خداوند مانند یک دوست بسیار صمیمی، توصیف می‌کنند و معتقدند می‌توان از طریق اتکا و توسل به خداوند اثر موقعیت‌های غیرقابل کنترل را به طریقی کنترل نمود (۴). از سوی دیگر، دین در عصر کنونی با چالش‌هایی مواجه شده، به ویژه با تسلط بشر بر نیروهای طبیعت، پیشرفت زندگی و گسترش انسان‌گرایی محض، ابتدا به نظر رسید که خدا و به طور کلی ماوراءطبیعت به مفهوم نیروی برتر و دست نیافتنی، در حال از بین رفتن است و دینداری در زندگی به پستوهای ذهن رانده می‌شود (۵). در حالی که بر خلاف ادعای فوق، در سال‌های اخیر، یافته‌های پژوهشی در زمینه‌های مختلف علمی به ویژه پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی هماهنگ با گزاره‌های دینی، با یک شتاب ناگهانی در حال افزایش هستند (۶). نگرش دینی عبارت است از عملکرد فرد بر اساس باورهای دینی خود و بر دو نوع جهت‌گیری درون-دینی و جهت‌گیری بیرون-دینی تقسیم می‌شود (۵).

بشر امروز به دنبال دینی است که در عین تأمین معنویت راه‌حلی برای معضلات زندگی اجتماعی‌اش هم داشته باشد (۷). خصوصیت اسلام این است که همه

پرتو توجه و علاقه جهانی روانشناسان به حوزه دین و معنویت، مطرح شده و توسعه پیدا کرده است (۱۳). ویژگی‌هایی که لازمه هوش معنوی هستند احتمالاً در کنار توانایی‌ها و فعالیت‌های دیگری قرار دارند که عبارتند از: دعا کردن، رویاها و تحلیل رویاها، باورها و ارزش دینی و معنوی، شناخت و مهارت در فهم و تفسیر مفاهیم مقدس و توانایی داشتن حالات فراروندگی. به عنوان مثال؛ بعضی از حقایق قدیمی همانند آزار نرساندن در تقویت هوش معنوی مطرح می‌باشد (۱۴). در مورد هوش معنوی و نگرش به دین تحقیقات اندکی صورت گرفته است که به آن اشاره می‌کنیم. برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین مذهب با هوش معنوی رابطه معنی‌داری وجود دارد (۱۵، ۱۶).

از متغیرهای دیگر این پژوهش که ممکن است با نگرش به دین رابطه داشته باشد "سبک دلبستگی" است. یکی از چارچوب‌های نظری سودمندی که برای مطالعه مذهب مطرح شده است "سبک دلبستگی" می‌باشد که فرایند شکل‌گیری و قطع شدن پیوندهای عاطفی را توضیح می‌دهند (۱۷). از حدود دهه نود میلادی نیز کرک پاتریک^۲ روانشناس دین، دلبستگی را به عنوان چارچوبی توانمند برای درک و یکپارچه کردن بسیاری از جنبه‌های باور دینی اختیار نموده است (۱۸).

بسیاری از روانشناسان تحولی عقیده دارند احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره اولیه دلبستگی است، زمینه کنش روانشناسی سازگاران را در مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند (۱۹). تعریف مفهوم دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که هر یک از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (۲۰). سبک دلبستگی از جمله مفاهیمی است که ابتدا جان بالبی^۳ آن را مطرح کرد. بالبی پیوند دلبستگی را در کودک یک نیاز اولیه و اساسی می‌داند به عبارت دیگر همه‌ی انسان‌ها تحت تأثیر پیوندهای دلبستگی خود قرار دارند (۲۱). یکی از جدیدترین نظریه

پردازشی‌ها با استفاده از نظریه دلبستگی درباره باور و رفتار مذهبی آن است که این پدیده‌ها نیز نشان دهنده تظاهرات واقعی فرایندهای دلبستگی هستند. به عبارت دیگر، باور مذهبی می‌تواند دریچه‌ای منحصر به فرد به فرایندهای دلبستگی در بزرگسالی بگشاید. روشن‌ترین نکته در کاربرد دلبستگی برای مطالعه مذهب آن است که ایمان به خدای شخصی و داشتن رابطه‌ای دوسویه با او محور ادیان توحیدی است (۲۲). در پژوهش قیامی (۱۳۸۴) نتایج حاکی از آن بود که بین سبک دلبستگی دوسوگرا با مذهب رابطه مثبت وجود دارد (۲۲). در مطالعات کاسیدی و شیور^۴ (۱۹۹۹) حاکی از آن بود که بین سبک دلبستگی با مذهب رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۳). در پژوهش سپاه منصور، شهابی‌زاده، خوشنویس (۱۳۸۷) حاکی از آن بود که بین دلبستگی ایمن با دلبستگی با خدا رابطه مثبت وجود دارد (۲۴). باتلر^۵ (۲۰۰۲) در بررسی ارتباط بین نگرش دینی، سازش یافتگی با محیط دانشگاه و خودپنداشت نشان داد که نگرش دینی با خودپنداشت رابطه مثبت دارد و به همسازی بیشتر دانشجویان منتهی می‌شود (۲۵). کرک پاتریک، شیور (۱۹۹۲) به نقل از قیامی (۱۳۸۴) نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن با معنویت رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۲). در پژوهش حق شناس و همکاران (۱۳۸۹) نتایج حاکی از آن بود که بین هوش معنوی با سبک‌های دلبستگی ارتباط وجود دارد (۹). فتاحی فر و دلگشایی (۲۰۱۴) نشان دادند که بین سبک دلبستگی و هوش معنوی بر توانایی حل مسئله دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه رابطه مثبت وجود دارد (۲۶).

در این زمینه تحقیقاتی با عنوان رابطه بین سبک دلبستگی، هوش معنوی با نگرش به دین دانش‌آموزان کمتر صورت گرفته است، ولی پژوهش‌هایی در دانش روانشناسی با موضوعاتی از قبیل بررسی رابطه هوش معنوی و سلامت روان، رابطه بین هوش معنوی و اختلالات شخصیت و صفات شخصیتی انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی

دارای ۳ مؤلفه می‌باشد که ۱- پیوستگی/ارتباط با خود
۲- پیوستگی با دیگران ۳- پیوستگی با وجود متعالی
را می‌سنجد و به صورت خود ارزیابی است. هر سؤال ۵
گزینه دارد که به صورت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ نمره‌گذاری
می‌شود.

پرسشنامه نگرش به دین: برای جمع‌آوری اطلاعات
مربوط به نگرش به دین، از پرسشنامه جهت‌گیری
مذهبی آلپورت (۱۹۵۰) استفاده شده است. آزمون
جهت‌گیری مذهبی دارای ۲۱ سوال می‌باشد. در این
مقیاس ۲۱ سؤالی، عبارت‌های ۱ - ۱۲ جهت‌گیری
بیرونی دین، و عبارت‌های ۱۳ - ۲۱ جهت‌گیری درونی
دین را می‌سنجند، پاسخگو می‌تواند طیفی از پاسخ‌ها را
از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف انتخاب کند. همسانی
درونی آن توسط جان بزرگی و با استفاده از ضریب
آلفای کرانباخ، ۰/۷۱، و پایایی آن ۰/۷۴ به دست آمده
است (۲۷).

داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون
همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با روش همزمان
تحلیل شده است.

یافته‌ها

نتایج توصیفی نشان داد که از ۳۷۰ دانش‌آموز
مورد بررسی ۲۱۱ نفر (۵۷/۸ درصد) پسر و ۱۵۹
(۴۲/۲ درصد) پسر بودند. بیشتر شرکت‌کنندگان از
لحاظ پایه تحصیلی، سال اولی بودند (۲۹/۴ درصد). از
لحاظ رشته تحصیلی، رشته علوم انسانی بیشترین
درصد (۳۱/۴) و رشته ریاضی کمترین درصد (۱۵/۵)
را به خود اختصاص داده بود. همین‌طور نتایج نشان
داد که سبک دلبستگی در بین دانش‌آموزان دختران با
میانگین (۴۲/۱۲)، بیشتر از پسران است و این
اختلاف معنی‌دار است ($P < 0/01$) ولی هوش معنوی و
نگرش دینی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت
معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج استنباطی نشان داد که: هوش معنوی با
مؤلفه‌های نگرش دینی (جهت‌گیری برونی دین و درونی

و هوش معنوی با نگرش دینی در دانش‌آموزان متوسطه
شهرستان آمل می‌باشد.

مواد و روش‌ها

روش این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی از نوع
همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش
آموزان مقطع متوسطه شهرستان آمل در سال ۱۳۹۳
تشکیل می‌دهند. حجم جامعه آماری برابر با ۱۱۶۵۰ نفر
بوده است. نمونه آماری به تعداد ۳۷۰ نفر بر اساس جدول
مورگان به شیوه تصادفی ساده انتخاب گردید. برای
جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور: برای جمع
آوری اطلاعات مربوط به سبک دلبستگی، از پرسشنامه
هازن و شیور (۱۹۹۵) استفاده شده است. این پرسشنامه
دارای ۱۵ سوال است که سه سبک دلبستگی ایمن،
اجتنابی و دو سوگرا را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت
(کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، نظری ندارم ۳، موافقم ۴،
کاملاً موافقم ۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی
در خرده مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود.
ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده
مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه
دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای
کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای
دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان
پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه
همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال بوده
است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های
دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰،
۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد.

پرسشنامه هوش معنوی در کار (خودارزیابی):
برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به هوش معنوی از
پرسشنامه جودینیل (۲۰۰۴) استفاده شده است. این
پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال می‌باشد. در خصوص اعتبار
این پرسشنامه نتایج حاکی است که زیر مقیاس
همسانی خوبی دارند. ضریب آلفای کرونباخ این
پرسشنامه ۰/۸۳ می‌باشد. پرسشنامه هوش معنوی

دین) به ترتیب ($R^2=0/312$ ، $F=0/291$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارند.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی با نگرش دینی (جهت‌گیری برونی دین و جهت‌گیری درونی دین) دانش‌آموزان

زیر مقیاس‌ها	برون دینی	درون دینی	اجتنابی	ایمن	دوسوگرا
جهت‌گیری برونی دین	-				
جهت‌گیری درونی دین	۰/۵۷۶**	-			
اجتنابی	۰/۳۷۴**	۰/۳۷۱**	-		
ایمن	۰/۲۷۷**	۰/۳۱۶**	۰/۶۱۶**	-	
دوسوگرا	۰/۳۱۲**	۰/۳۱۴**	۰/۶۹۶**	۰/۶۵۰**	-

** معنی‌داری رابطه در سطح ۰/۰۱

جدول ۲: ضرایب رگرسیون هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی نگرش دینی

sig	t	ضرایب استاندارد		متغیرهای پیش‌بین
		Beta	B خطا	
۰/۰۰۰	۱۲/۲۳		۳/۵۹	مقدار ثابت
۰/۳۵۱	-۰/۹۳	-۰/۰۶	۰/۰۸	پیوستگی با خود
۰/۱۶۱	۱/۴۰	-۰/۰۸	۰/۰۸	پیوستگی با دیگران
۰/۰۰۳	۳/۰۳	۰/۲۰	۰/۰۸	پیوستگی با وجود متعالی
۰/۰۰۴	۲/۷۴	۰/۲۰	۰/۱۵	اجتنابی
۰/۵۴	۰/۶۱	۰/۰۴	۰/۱۴	دوسوگرا
۰/۷۹۶	۰/۲۶	۰/۰۱	۰/۱۴	ایمن

دلبستگی قابل تبیین است ($R^2 = 0/21$). نتایج مدل رگرسیون در جدول ۲ آورده شده است. برای آزمون معنی‌داری سهم هر یک از هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی نگرش دینی، مقادیر بتای هر کدام از متغیرها مورد توجه قرار گرفت و معلوم شد که سهم اجتنابی و پیوستگی با وجود متعالی در پیش‌بینی میزان نگرش دینی معنی‌دار است (به ترتیب با $Beta_s = 0/20$ ، $0/20$ و $P_s < 0/01$). این درحالی است که نقش سایر متغیرها در پیش‌بینی نگرش دینی معنی‌دار ظاهر نشد.

بحث

در این پژوهش رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با نگرش دینی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل بررسی شد. بین سبک‌های دلبستگی با مولفه‌های نگرش دینی (جهت‌گیری برونی دین و جهت‌گیری درونی دین) دانش‌آموزان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. به

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که سبک دلبستگی اجتنابی با مولفه‌های نگرش دینی (برون دینی و درون دینی) به ترتیب ($R^2=0/374$ ، $F=0/371$)، سبک دلبستگی ایمن با مولفه‌های نگرش دینی (برون-دینی و درون-دینی) به ترتیب ($R^2=0/277$ ، $F=0/316$)، سبک دلبستگی دوسوگرا با مولفه‌های نگرش دینی (برون-دینی و درون-دینی) به ترتیب ($R^2=0/312$ ، $F=0/314$)، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارند. یعنی هر چه نگرش دانش‌آموزان به دین افزایش یابد موجب افزایش دلبستگی آنها به دین می‌شود.

برای آزمون مدل پیش‌بینی نگرش دینی از روی هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل کلی رگرسیون معنی‌دار است ($F(6) = 16/56 = 363$ و $P < 0/05$). هم‌چنین معلوم شد که ۲۱٪ از واریانس نگرش دینی از طریق هوش معنوی و سبک‌های

برد(۲۹). با وجود این، کرک پاتریک (۱۹۹۹) بر این باور است که سیستم دلبستگی تنها یکی از مکانیسم‌های متعدد روانشناختی است که در زیر طیف وسیع پدیده‌های مذهبی نهفته بوده و بسیاری از پدیده‌های مذهبی را نمی‌توان به تنهایی از دیدگاه دلبستگی تبیین کرد(۲۲). دین پدیده‌ای بسیار وسیع است که می‌تواند همه ابعاد انسان را تحت تاثیر قرار دهد. به گونه‌ای که می‌تواند تمام ابعاد روانشناختی انسان را تغییر دهد و انسان را به سمت آرامش سوق دهد. ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به کل هستی هدفدار و دارای معنی باشد. ایمان نداشتن به وجود خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش فکری نداشته باشد و همین امر موجب اختلال روانی شود. مذهب باعث صبر و بردباری، احساس همدلی و انعطاف‌پذیری در روابط با دیگران می‌شود(۳۰).

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی با مولفه‌های نگرش دینی (جهت‌گیری برونی دین و جهت‌گیری درونی دین) دانش‌آموزان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی دیگر هوش معنوی می‌تواند نگرش دینی را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین هوش معنوی می‌تواند نگرش دینی را پیش بینی نماید. همانگونه که تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد هوش معنوی (پیوستگی با وجود متعالی) را پیش بینی می‌کند. نتایج حاصل از این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دیگر(۱۶،۱۵،۲۶) همخوانی دارد. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت که معنویت، به عنوان یک هوش، ادراک ما را از معنویت و هوش گسترش می‌دهد. هوش معنوی، سازه‌های معنویت و هوش را با هم ترکیب می‌کند و یک سازه جدیدتر به وجود می‌آورد(۱۲). داشتن هوش معنوی بالا می‌تواند بر نگرش دینی انسان موثر باشد و او را به درجات بالای ایمان برساند. هوش معنوی توان تجربیات دینی را به انسان می‌دهد و شهود به مسائل دینی را به انسان اعطا می‌کند.

کشف و شهود و تجربه‌های دینی افراد می‌تواند بر سلسله اعصاب و روان انسان تاثیرگذار باشد. انسان‌های مومن بر خدا توکل می‌کنند و وجود خدا را در همه جا و همه مراحل و زمان‌ها درک می‌کنند. این درک باعث

عبارتی دیگر سبک‌های دلبستگی می‌تواند بر نگرش دینی تاثیر بگذارد و حتی می‌تواند آن را پیش‌بینی نماید. همان‌گونه که در این تحقیق مشخص شد تحلیل رگرسیون نیز سبک دلبستگی اجتنابی را در پیش بینی نگرش دینی نشان می‌دهد. نتایج حاصل از این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دیگر (۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶) همخوانی دارد. در تفسیر چنین یافته‌های می‌توان گفت، زمانی که بازسازی الگوهای ذهنی دلبستگی صورت می‌گیرد، روابط دلبستگی دیگری مانند دلبستگی به خدا نیز به وجود می‌آید(۲۸). میزان مذهبی بودن افراد دلبسته، نتیجه پویایی نظام دلبستگی است، یعنی مذهب و ارتباط فرد با خدا در طول زمان افزایش می‌یابد و از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود(۲۹). (در قرآن کریم آمده است: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ*: مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند (انفال/۲) (۳).

سبک دلبستگی، نوع وابستگی انسان و نیازی که به دلبسته شدن دارد را مشخص می‌سازد. انسانها از طریق دین به خدا دلبسته می‌شوند و روابط ایمن و آرامی را تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد افرادی که روابط ایمن و آرامی را تجربه می‌کنند، فرصتی برای درک مداوم، نگرش مثبت به جهان اطراف و پرداختن به سطوح عالی‌تر نیازها (نیازهای معنوی) می‌یابند. به علاوه، از حمایت معنوی ناشی از ارتباط با خدا نیز بهره‌مند می‌شوند، زیرا این افراد احساس نزدیکی و مجاورت با خدا را دارند.

دانش‌آموزان در سنین نوجوانی و بالاتر (به دلیل رشد شناختی و رسیدن به تفکر انتزاعی یا تفکر غیر ملموس که در آن فرد می‌تواند حتی در مورد آن چیزی که ندیده است نیز فکر کند)، در صورت غیبت ظاهری منبع دلبستگی (خدا) احساس راحتی و ایمنی می‌کنند و با ادراک و آگاهی صرف، از این که منبع دلبستگی در صورت نیاز، در دسترس است، احساس ایمنی می‌کنند. بنابراین تا هنگامی که یک انسان خداپرست، خداوند را پاسخگو و به آسانی قابل دسترس می‌داند، می‌توان واژه دلبستگی را به کار

هامپسون، رابتنس، دنیل^۷ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که نگرش به دین به بهبود سلامت، کیفیت زندگی و افزایش اعتماد به نفس منجر می‌شود (۳۲).

بررسی پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که هنوز تحقیقی از منظر سبک دلبستگی در مورد نگرش به دین صورت نگرفته است و پژوهش‌های جاری اکثراً به بررسی نقش مذهب در روانشناسی مذهب پرداخته‌اند. منحصر بودن نمونه حاضر به دانش‌آموزان متوسطه آمل، از محدودیت‌های این پژوهش است که نتایج حاصله را بایستی با احتیاط به گروه‌های مختلف و شهرهای دیگر تعمیم داد. معهداً، پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری با مقیاس‌های متنوع و نمونه‌های مختلف انجام پذیرد تا بتوان به چنین یافته‌هایی عمومیت بخشید.

سپاسگزاری: محققان بر خود واجب می‌دانند از

سرپرستی و مدیریت آموزش و پرورش آمل و سایر همکاران عزیز که در اجرای این پژوهش صمیمانه همکاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی داشته باشند.

Endnotes

- 1- Amram
- 2- Patric
- 3- Bowlby
- 4- Cassidy & Shaver

References

1. Khaleghkhan A, Javidi Kalate Jafarabadi T, Shabani Varaki B, Jahanghiri M. Religious education based on kierkegaard paradoxical beliefs. *Foundations of Education*. 2012; 2(1): 65-90.
2. Yang K, Mao X. A study of nurses spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *International journal of nursing studies*. 2007; 44(6): 999-1010.
3. Holy Quran, Trans: Naser Makarem Shirazi, Sarmayeh Press, Qom, 2011; Ra'd: 28 (Persian).
4. Fountoulakis KN, Siamouli M, Magiria S, Kaprinis G. Late-life depression, religiosity cerebro vascular disease, cognitive impairment interpreting the data. *Medical Hypotheses*. 2008; 1(70): 493-496.
5. Mehrabi Taleghani Sh, Sohrabi F. Comparative study of the relationship between religious (internal-external) with the hardiness

ایجاد نوعی آرامش روانی و وجود نداشتن استرس در زندگی می‌شود. وجود نداشتن فشارهای روانی در انسان می‌تواند همه اختلالات روانی را از بین ببرد و زندگی معنوی را باعث شود. حیات طیبه زمانی امکان دارد که انسان خود را به آموزه‌های دینی آراسته سازد. در این میان، تعیین حوزه و قلمروهای ویژه در اعصاب و ساختار معماری مغز در حل مسئله از طریق معنویت، زمینه‌هایی را برای باورپذیری وجود هوش معنوی به دست می‌دهد. پرورش معنویت می‌تواند دانش‌آموزان را در توجه به تجربه‌های دینی خود و به کارگیری آن در حل مسائل و درک ارزش و معنای زندگی یاری دهد (۱۲).

پژوهشگران معتقدند که هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی در مورد هوش معنوی متفاوت است. لذا نباید دانش وسیع در مورد مسائل معنوی و تمرین‌های آن‌ها را هم‌ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق برای حل مسائل اخلاقی دانست (۹). رایا، پارگامنت، ماهونی، استین^۶ (۲۰۰۸) معتقدند نگرش به دین موجب احساس بهزیستی می‌شود (۳۱). توریانو، شاون، وایتمن،

- 5-Boulter
- 6-Raiya, Pargament, Mahoney & Stein
- 7-Turiano, Shawn, Whiteman, Hampson, Roberts , Daniel

of male and female students. *Psychological Studies*. 1391; 7(2): 155-173 (Persian).

6. Nasser E. Study concept and components of spiritual intelligence and make instrument to measure spiritual intelligence among students of Allameh Tabatabai University. MA Dissertation, Allameh Tabatabai University, 1387 (Persian).
7. Hadoi M, Dehshiri M. The transition from pure spirituality, Man's Search for Religion. Tehran: soreh 2004 (Persian).
8. Moral and Spirituality the looking glass office major leadership. Tehran: institute of cultural Noor velaiat. 2001.
9. Haghshenas M, Noor Bala AA, Akaberi A, Nejatilaein V, Salehi M, Taiebi Z. Study of relation spiritual intelligence and attachment style collegians. *Journal of Medicine Moral* 1390; 4(14): 167-181 (Persian).

10. Hassanzade R, Yadollahpour MH, Fazeli Kebria M, Yamin Feerouz M, Gholiniya Ahengar H. The relationship between spiritual intelligence and positive thinking among students of Babol University of Medical Sciences. *Religion and Health*. 1393; 2(1): 45-52 (Persian).
11. Ghobari Bonab B, Salimi M, Slyayy L, Nouri Moghadam S. Spiritual Intelligence. *Journal of Modern Religious Thought*. 2007; 3(10): 125-147 (Persian).
12. Samadi P. Spiritual Intelligence. *Andishehae Novine Tarbiati*. 2006; 2(3-4):99-114 (Persian).
13. Moallemi S, Raghobi M, Salari Dargi Z. Comparison spiritual intelligence and Psyche Health in addict and unwonted peoples. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences* 1389; 18(3): 235-242 (Persian).
14. Nasel DD. Spiritual orientation in Relation to spiritual Intelligence: A consideration of traditional christianity and new Age/individualistic spirituality. PHD Dissertation, University of South Australia, 2004.
15. Clark R. Religiousness, Spirituality, And IQ: Are They Linked?. *An Undergraduate Research Journal*. 2004; 1(1): 35- 46.
16. Khoshtinat V. Relationship between spiritual intelligence and religious (Spiritual) coping among students of Payame Noor University (PNU). *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. 2012; 3(6): 1132-1139.
17. Khvanynzadh M, Ejeie J, Mazaheri MA. Comparison of attachment style students with intrinsic and extrinsicreligious orientation. *Journal of Psychology*. 1385; 9(3): 227-247 (Persian).
18. Taqi F, Mazaheri MA, Azadfallah P. Assess the relationship between changes my attachment to God and students religious orientation. *Journal of Psychology*. 1385; 1(33): 3-21 (Persian).
19. Ahadi B. Relation feeling of single and self regard with styles attachment student. *Study of psychology*. 1389; 5(1): 95-112 (Persian).
20. Fogle A. *Infancy: Infant, family and society*. Minneapolis:West Publications; 1997.
21. Ehteshamzadeh P, Tayebi Z. Relation between identity properties and style attachment with
absolution the personnel company national oil ahvaz. 1391; 6(18): 87-102 (Persian).
22. Ghiami Z. Study relation style attechment with styles collation religious. *Journal of Psychology and science education*. 1384; 5(1): 221-233 (Persian).
23. Cassidy J, Shaver PR. *Handbook ofattachment: Theory, research and clinical application*. New York: Guilford press. 1999.
24. Sepah Mansour M, Shahabizadeh F, Khoshnevis E. Perceived childhood Attachment, Adult Attachment and Attachment To God. *Journal of Iranian Psychologists* 2008; 4(15): 253- 265 (Persian).
25. Boulter L. Self-concept as a predictor of college freshman academic adjustment. *College student Journal*. 2002; 36(2): 234-246.
26. Fatahi Far S, Delgoshaei Y. The relationship between attachment styles and spiritual intelligence and ability of solving problem. *International Journal of Basic & Applied Research*. 2014; 3: 26-32.
27. Mokhtari A, Alahyari AA, Rasoulzadeh Tabatabai K. The relationship between religious orientation and stress. *Journal of Psychology* 2001; 5(17): 56-67.
28. Kirkpatrick LA, Shaver PR. An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 1992; 1(18): 226-275.
29. Olianasab H. Relationship between religiosity and death anxiety among students and Tolab of Qom. *Psychology and Religion* 1390;3(1):55-68 (Persian).
30. Atari Y, Abbasi Sarcheshme A, Mehrabyzadeh Honarmand M. Evaluation of simple and multiple relationships religious attitude, optimism and attachment style with marital satisfaction in male married students at Shahid cahareman. *Journal of Education and Psychology*. 1386; 3(1): 93-110 (Persian).
31. Raiya HA, Pargament KI, Mahoney A, Stein C. A psychological of Islamic religiousness: Development and evidence for reliability measure andvalidity. *International Journal for the Psychology of Religion*. 2008; 18: 291- 315.
32. Turiano NA, Shawn D. Whiteman SE, HampsSon BW, Roberts & Daniel K. Personality and substance use in midlife: Conscientiousness as a moderator and the effects of trait change. *Journal of Research in Personality*. 2012; 46(3): 295-305.